تا صورت پیوند جهان بود علی بود
تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود
شاهی که ولی بود و وصی بود علی بود
سلطان سخا و کرم و جود علی بود
هم آدم و هم شیث و هم ایوب و هم ادریس
هم یوسف و هم یونس و هم هود علی بود
هم موسی و هم عیسی و هم خضر و هم الیاس
هم صالح پیغمبر و داود علی بود



این چند کلمه از نسخهٔ کتاب لقمان حکیم طبیب الحکماء فی الخواص
والعوام رحمة الله علیه ایراد گشت بسم الله الرحمن الرحیم
واگر کسی خواهد که دهن گرگ را به بندد اول ریسمان بردارد و یکبار
سورهٔ الحمد و سه بار سوره قل هو الله احد و سه بار سوره قل اعوذ
برب الفلق بخوانند و سه بار بگوید بستم دهان گرگان را بر فلان
کله یا بر چهارپای اسم برده شود و این آیه را بخوانند تنفذوا من
اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا
الا حسبی الله ونعم الوکیل سه بار بخواند و بر ریسمان دمد
و محکم گره زند دهن گرگ بر مال نام برده بسته شود بامر الله تعالی
و بدان مردی که زهرهٔ خروس را بر ران خود مالد هر چند خواهد
مجامعت نماید می تواند کند و اگر زن شیر اسب را بر خود
گیرد ساعت توقف کند که فرجش تنگ شود و اگر موی سینه
آدمی را

آدمی را البو زانند و خاکستر او را بر گلاب بیامیزند و بر سر
عورت کند یار زیر او نرود و گند همه فعل دارد و اگر موی سر
آدمی سالبو زانند و خاکستر او را با سرکه بیامیزند و بر جراحت بنهد
به شود و اگر گوشت اسب از جانب راست بر گیرد و دود کنند
اندازد و بهر کس دهد یکشبانه روز بخسبد و اگر دندان اسب را از بیان
بر پای کودک بندد و در خشم خلائق عزیز و محترم گردد و اگر خون اسب
در خمیر کرده بزرع اسپند دهند در حال کودک بیفتد و سر گیس اسب فطره کند کسی را که
گرانبار... ده بهم ... کند که بیرا به برد و اگر شیر اسب زن ... گیرد
در حال ... و اگر سم اسب بر زمین بخوابانند نهد هر کس از آن خانه بیرون رود و اگر
مردان شیر اسب بخورند بازنان جمع شوند اگر زن دهد زن که شیر اسب
بخورد فرجش تنگ شود و گوشت اسب کم ... و معده را قوت دهد
هر که شیر اسب تازه بخورد ... اندازد و زخم را ... کند

اگر مغز شتر را با زیتی بخورد درد پهلو را دفع کند و اگر سودن شتر را بسوزانند
و خاکستر او در پیه کند خون بار بستد و اگر سم شتر خورند [illegible] کند و هر کسی که ورم
دارد بر وی بسپوزد و اگر سم جب شتر را در خانه دود کنند گزنده از آن خانه بگریزد
اگر پوست [illegible] در صباح بیند دلیر شود و در شب [illegible] و هر که جنگ کند غالب آید
و هر که ناخن پلنگ را با خود دارد از هیچ جنگ نترسد اگر خواهی
که خواب اگر کسی را [illegible] گیرد [illegible] گفتار را [illegible] بمالند در
خود [illegible] و اگر زن قیسیان کند زهره گفتار در طعام کند [illegible] در
سالی [illegible] و اگر [illegible] گفتار [illegible] پهلو [illegible] طرف کند
و اگر خون گفتار با روغن [illegible] بر چشم [illegible] چشم بروی کار نکند و اگر گوشت
و اگر پوست گفتار [illegible] و اگر پوست گفتار را [illegible] کنند در روکده
[illegible] همه عالم [illegible] نکند و اگر پوست گفتار را
با خود دارد در چشم سلطان عزیز و مکرم باشد و اگر کسی [illegible] گفتار را
با خود دارد [illegible] عاشق وی شود و این [illegible]
[illegible]

و اگر کسی ناخن گفتار [illegible] بشد [illegible] خط [illegible] که از عشق
او [illegible] و اگر زهره گفتار با خود دارد هر که او را ببیند عاشق او شود
[illegible] زهره و
دیگر [illegible] گفتار [illegible] که [illegible] بماند [illegible] با
موضع نهند [illegible] و اگر [illegible] بشم [illegible] سر [illegible]
با [illegible] آب [illegible] و در حلقوی [illegible] و اگر کسی
[illegible] گفتار را [illegible] و اگر کسی
[illegible] دندان گوسفند را ببرند و بر آن موضع
مالند موی بر آورد و آب [illegible] و اگر زهره گوسفند را در [illegible]
مالد [illegible] و اگر [illegible] را به [illegible] و یک هفته
بخورد [illegible] و اگر کسی را در [illegible] باشد مغز
گوسفند [illegible] کند [illegible] و اگر کسی [illegible]
[illegible] که هر که گوشت [illegible] را بخورد [illegible]

گویند که هر کس دیدهٔ خروس را با خود دارد اگر در میان صد هزار دشمن در آید
بسلامت بیرون آید   گویند زهرهٔ روباه را بسیار بخورد
صفرا را بنشاند و تب جگر را بنشاند و خون را صاف کند
گویند که هر که نیلوفر را بکوبد و آبش را بر سر دیگی مالد ابله را
ببرد و اگر پیه پلنگ را با روغن نیلوفر بگدازد و بر خود مالد هر درشتی که
در بدن بود زایل گردد و اگر همین ترکیب را سه روز در بینی کند از همه علت
پاک شود و اگر کسی را طپیدن دل باشد دل روباه را خشک کند و با انگبین
سفید بخورد نیکو شود   گویند که هر که مغز سر گرگ را با انگبین بیامیزد
و در حمام بر خود مالد درد پشت را شفا دهد و هر که مغز گرگ را با خود دارد مار
و کژدم بروی کار نکند و اگر خون گرگ را با روغن جوز در گوش
چکاند کری را ببرد و اگر کسی عسل و زنجبیل پرورده را با ذکر مالد
جماع را لذت دهد   مردان جهت شپش بیخ کوکنار را بکوبند و بر

یمنه تن درست باشد و هر که مقعد او بیرون آید پوست مار در زیر خود دود کند
بجای خود باز آید   هر کس دیدهٔ خرگوش را با خود نگاه دارد اگر بجنگ رود بسلامت
باز آید و اگر خون خرگوش را بخورد سرفه را ببرد و اگر مغز سر خرگوش را بجای
که جانور گزیده باشد در آن موضع مالد آزار او را ببرد و اگر پیه خرگوش را
زن بدست و پای خود مالد بار گیرد   هر که گوشت روباه را بخورد قولنج
باد را ببرد و هر کس پیه گرده روباه را در کف پای خود مالند هر چند که
راه رود مانده نشود و اگر چربی روباه را بدست و پای خود مالد از سرما ایمن
باشد و اگر کسی را طپیدن دل باشد با انگبین سفید بیامیزد و بخورد به شود
بفرمان الله تعالی   و هر که شکمبهٔ گربه را بدبو اندود بدهد تا بخورد به شود
و اگر خصیهٔ گربه را خشک کند و بر ذکر مالیده جماع کند آن زن غیر او
کسی دیگر را نخواهد و اگر دل گربه را کباب کند بخورد دلش دلیر گردد و اگر خون
گربه را با پنج قطره خون بزغاله را بهم زده کنند بر روی هر زنی که مالد عاشق او شود

کعب

الله دفع شپش کند و اگر بیخ کبر را بسایند و با خمیر کرده به نمک بالله
و بر موضع که تراشیده باشند بآنجا بگذارند موی بر نیاید گوید
که روزی که خلافت پادشاهی بسلطان احمد خدابنده رسید جمع
علما و حکمای عصر خود را طلبیده فرمود که از برای من کتابی اختیار
کنید چنانکه در حضر و سفر فایدهٔ او بمن رسد پس شیخ ابراهیم ابن
محمد غزنوی این چند کلمه را انتخاب نمود و نامش راحت الانسانی
گذاشت تا ادمیان از و فایدهٔ بسیار برند بالله التوفیق
حکیم گوید هر کس چیزی بسیار خورد معده اش تباه شود و ضعیف دل
و کرم جگر آورد و درد شکم و سستی اعضا و عرق بد بوی پدید آورد
و هر کس سخن بسیار گوید درد شقیقه آورد و هر کس با زن صحبت کند
بسیار کرده اش ضعیف گردد و ماهی بسیار خوردن درد سر و درد دندان
آورد و استخوان ماهی و کوهان شتر را دود کند تا نافع باشد گوید
که هر کس

که هر کس مستراح رود و بسیار نشیند علت بواسیر پیدا کند و عود بخورد
بوی دهن را بر طرف کند و هر زنی که سنگ مغناطیس که مهرهٔ مار باشد در دست
گیرد بچه بیفکند و هر که گندنا را بخاید و بر جراحت نهد خون باز ایستد و هر که
گشنیز را بکوبد و بر آماس نهد بر طرف شود و گوید که هر طفلی که شب در جامهٔ خواب
بول کند قایل بهاری یکمثقال بکوبد و بخورد بر طرف کند و هر که تخم گندنا را
با یکدرم شکر سه روز بخورد اگر خون شکم داشته باشد باز ایستد و هر که گشنیز و گلاب
در چشم کشد آنکه از چشم او بر نیاید اگر بیرون آمده بر طرف سازد و هر که قی بسیار کند
و درم سنگ ارمنی را با آب شمامه بخورد در حال که قی آید باز دارد و اگر زنی که
حیض بسته باشد قدری سداب و قدری گلاب گرم بکند و بخورد حیض گشاده گردد
و اگر کسی را مار گزیده باشد برگ سداب و برگ انجیر را با هم بکوبد و با روغن تازه
مجروح کرده بخورد و یک ساعت صبر کند عرق کند با عرق از بدن او بیرون آید
ان زهر را بر طرف کند و هر که را در معده باشد که معدهٔ او بیرون آید شاخ سداب

ابو اسحاق

بجف
کبلماه

بکوبد و بر معده نهد برطرف   کوید که اگر سداب را در سوراخ

مور جز ریزند همه موران بمیرند و هر که سداب را بجوشاند و بر پهلوی چپ بندد درد

سپر را برطرف کند و هر که سداب را بجوشاند با کسترد و در چشم کشد شب کوری را برطرف

کند دیگر که تخم سداب را با روغن بکاو و عسل طبخ کرده بخورد سستی معده را دفع

و باد لقوه و قولنج را دفع کند   کوید که هر که پیاز را با پودینه باغی بخورد

بلغم را ببرد و سوز اشکند و معده را قوی کند و هر که پودینه را با شکر بخورد دق

را بنشاند و اندوه دل را ببرد و منفعت بسیار بیند   فرماید که هر که

پودینه را با پیاز بخورد کرم معده را بکشد و بیرون آورد و هر کسی ترنج را با مغز

خر کوش بجوشاند و در گوش چکانند کرم و ریم گوش را برطرف کند

فرماید که هر که تلخان را بخاید بوی دهن را برطرف کند

و اگر کسی را مار گزیده باشد تلخان را خاییده در زخم مار بمالد درد را

برطرف کند و هر که سپندان سرخ را در خانه دود کند ماران از خانه

بگریزد

بگریزد و هر که شراب را بجوشاند و بخورد معده را صاف گرداند و قوت

دهد و هر که زهره گوسفند را با آب ترب بیامیزد و در گوش چکاند آب که در

گوش رفته باشد بیرون آید و هر که سیر را با روغن کنجد خمیر سازد و خارش

معده و بدن را ببرد و هر که بوره زرگر را با سیر بکوبد و ضماد کند درد

فالج باد را ساکن کند و بادها را تحلیل کند   کوید که هر که سیر بسیار بخورد

معده را پاک گرداند و لرزه از دست و پا ببرد و باد لقوه را برطرف سازد

و سستی بدن را زایل کند اما درد شقیقه آورد و صفرا بگستراند و خون بسیار

آورد و هر که سیر را با زهره گوسفند بجوشاند و در گوش چکانند کری گوش را

ببرد   کوید که هر که صرع پیدا نماید صبر را دود کند و خود را بران

دود نگاه دارد علتها را دفع کند ماهی گربه را با روغن گاو بریان کند و بخورد

دیوانه و بهی نیکو شود و اگر با سر که بخورد بهتر باشد و هر که را زرآب بول گرفته

باشد گوشت خارپوشت بریان کرده بخورد نیکو شود و هر که را پیکان در بدن

مانده باشد و بیرون نیاید سرگین خر را دود نیم کرده بران جراحت بنهند
نیکو شود موش نیز همین خاصیت دارد و هر که لعاب حلبه با شیر زایل
و هر کس را سستی قضیب باشد در ساعت تخم ترب را با روغن تازه بمالد
سخت شود گویند هر کس صبح ترب بخورد بادهای مخالف را ببرد و معده را
پاکیزه کند و اگر سیر خورده باشد او را او را نگزد و قلیه سیر خوردنش فایده دارد
و قضیب را سخت بکند هر انکس را دندان درد کند سیر را بریان کند و در زیر
دندان گیرد به شود و هر که پوست سیر را بسوزاند و با روغن کنجد خمیر کند بر موضعی
که مویش رفته باشد بحاله موی برون آید و اگر سیر را با شیر بجوشانند و بخورند
دل را قوت دهد گویند هر کس را السیر باشد پیه خروس را با عسل
بخورد به شود و هر کس پیه خروس را بر خود بمالد بحاله بوی کار نکند و اگر خون خروس
در جسم گشته موی زیاده را ببرد و هر کس علت بواسیر بهم رساند زهره خروس را
با عسل نرم کند بخورد به شود و دیگر زهره سگ را با پیه خروس نرم کند بواسیر را
برطرف کند

و اگر کسی جگر را با شیر گاو بجوشانند و بخورد سرفه را ببرد و آواز را بگشاید و هر که
تب گرمش نباشد تا بخورد تشنه رست باشد و دل را قوت دهد و عمر را دراز گرداند
و هر که برگ شفتالو را بکوبد و بر جراحت که کرم افتاده باشد بنهد به شود و هر که
روغن دانه شفتالو را بگیرد و فتیله سازد و در گوش گذارد گرانی گوش را
برطرف کند و هر کس تخم کرفس را با اندک نمک در خمیر سازد و در دهن قرقره کند
آواز گرفته باشد بگشاید و هر که تخم کرفس را بجوشانند و آب او را در درد شکم
و ماسل قولنج باد را دفع کند و اگر کسی کرفس را معجون کند و بخورد سردی را ببرد
و زن که بچه در شکم او مرده باشد تخم زردک در روغن سفید در کس دور زیر
دامن او دود کنند در حال خلاص یابد گویند که هر کس یک قدح آب
عناب را با یک سیر عسل در حمام بخورد قی بسیار کند و صاف شود و هر که
کله گوسفند را بجوشانند و نمک در آن نماید و بخورد هر چند کیفیت خورده نشود
گویند که هر که سیر بسیار خورد مار و کژدم او را نگزد و اگر مار کسی را

گزنده باشد یکدانه سیر بر زخم نهد نیک شود واگر قضیب کسی سست شود
و قوت ندهد قدری سیر با روغن بجوشانند و بخورد و اندک هم بر ذکر بمالد
سخت شود واگر چند مرتبه پیاز را در گوشت ملح بجوشانند و بخورند شهوت
را بیفزاید و گرده را قوی گرداند و آب پشت را زیاده کند واگر
صحبت زن یا مدحه داشته باشد همه را راضی کند واگر آب پیاز را
با سرکه نرم کرده در بدن بسیار مالد لکه‌ها را برطرف کند و هرکه پودینه
دشت و صحرا را بسیار بخورد بلغم و بادهای مخالف را ببرد و معده را قوی
گرداند و هرکه نرگس را بسیار بوید درد شقیقه زایل شود و سر و چشم را
قوت دهد و خواب خوش آرد و هرکه نیلوفر را بکوبد و آبش در دهان
گیرد و دیگر بر روی مالد نشان آبله‌ها برطرف سازد
گویند که هرکه زعفران و شکر در آتش نهد و دماغ را بدود آن دارد
زکام را ببرد هرکه در دم زعفران با شکر نرم کند بخورد بسیار بخندد

وعقل



افغان حکیم

وعقل او زایل شود ساعتی و معده را قوی گرداند و بوی دهن را برطرف کند
و اشتها را صاف کند فرماید عجب دارم که در رساله دو هفته
از این معجون [illegible] که مطورث کسی بخورد او را بیماری و علت کم بود
تخم زردک و تخم بودنه مصطکی و از بادیان با هرکدام یک سیر و باز باز و
بنجنگ و جوز بویا و زیره همه را بکوبند و ببیزند و با عسل بیامیزند
و هر روز قدری بخورند فایده تمام یابند واگر کسی را خون از شکم برود بادام را
با روغن و گل بزینان بریان کند و هر روز یک مثقال بخورد خون از شکم باز ایستد
واگر کسی را پیکان در استخوان یا در گوشت مانده باشد گنجشک را بکوبد و نیم کرده گرم
بر زخم نهد فی الحال بیرون آید واگر کسی گندم را در کوه گرد بجوشاند بخورد و بر جانور
دهد بیهوش گردد و هرکس گوشت الک را با پیاز نرم کند در وقت چاشت بخورد
و بوقت شام بخورد اگر ده زن و کنیز داشته باشد همه را خوشنود دارد و کام داشته باشد
و حکما گفته‌اند که هرکه مویز سیاه را بکوبد و در زیر دندان نهد درد را تسکین کند



واگر کسی سلفه کند که خون آید تخم کاسنی را با شکر بیامیزد و شربت کند و بر سر کشد
بهتر شود و اگر کسی را درد سر باشد تخم کاسنی را با گلاب بیامیزد و بر سر بندد درد سر را برطرف
کند و هر که زبان زاغ سیاه را در میان شیر نهد که وقت بخورد سود مند است و بر زحمتها
مفید است و هر کسی مغز سر گنجشک را در قضیب مالد چندانکه خواهد مجامعت کند قوت دهد
واگر کسی را پیکان در جای مانده باشد مغز سر زاغ را به پیه نرم کرده بر جراحت گذارد
در حال پیکان بیرون آید و اگر کسی خون از بیخ دندان او بیرون آید برگ خار با سماق بیامیزد
و در بیخ دندان ساعت بگیرند نافع باشد و اگر کسی را دندان درد کند چوب عاقرقرحا
در دندان گیرد نفع دهد و اگر کسی را با برگ حنظل بجوشانند با آب او بشوید کبرهٔ سر را ببرد
وحوی بیرون آید و اگر زنی را فرزند نماند دندان کفتار را با خود دارد دیگر فرزندش
نمیرد و هر زنی که پیخال خرگوش نرم کند و بخود گیرد هرگز گران حامله نشود و اگر کسی را مار گزیده
باشد موش کسی را گرم کند و بر زخم مار نهد به شود و اگر کسی سم الاغ بسوزاند و خاکستر او را
با خود نگاه دارد جادو بروی کار نکند و اگر زن زهرهٔ خرگوش را با خود نگاه دارد آبستن نشود

واکر بخورد بهتر

واگر بخورد بهتر باشد و اگر کسی را چشم تاریک شود پوست مار را بسوزانند و خاکسترش را
در چشم کشد تاریکی عین را ببرد و اگر چشم گل بسیار داشته باشد خاکستر پوست
مار با زهرهٔ کشف بهم بیامیزند و در چشم کشند گل را ببرد و چند دفعه چنین نمایند
به شود و هر کس دندان کفتار را با خود نگاه دارد زخم چشم بر او کار نکند و اگر
کسی شبکور باشد خون شب پره را سه روز در چشم کشد شبکوری را ببرد و اگر کسی
کور باشد کبوتری را خشک کنند و نصف زهرهٔ کبوتر دیگر را خشک کنند و هر دو را با هم
سلاویه کرده در چشم کشند تا هفت روز چه در چه بکشند کوری را ببرد و چشم را
روشن گرداند و اگر کسی تخم کدوی تلخ را در خانه دود کند مگس از آن خانه بگریزد
و هر که زهرهٔ روباه را بدر خانه بمالد دزد بر آن خانه در نیاید و هر که دندان
گرگ را بر گردن کودک بندد هر روز آن طفل افزون تر شود و هر که دندان گرگ را
با خود دارد در سفر هرگز جانور چهار پای او را ضرر نرساند و هر که پیه خرگوش را
بدست مالد یا به پا در خشکا سخت سرما بوی کار نکند و هر که زهرهٔ خروس را بر ران خود مالد

جندان کو خرابه بازنجشی مجامعت کند می تواند وهرکس زبان گنجشک را با خود دارد
سکان بروی بانگ نکنند واگر زن بیشیر آلت را بر خود گیرد فرجش تنگ شود واگر کی
سعتری کهنه را با زعفران در چشم کشد سفیدی را از چشم ببرد وهرکس سیر را بمویز انو
وبیع وبا عسل بیامیزد وبر زخم که ریش شده باشد بمالد بر طرف شود وهرکه تره کین
تازه آب بچکاند در گوش کرانی گوش را ببرد وهرکس زهره بزغ کوهی را
در گوش بچکاند گرانی گوش ببرد وهرکه دندان روباه را از طرف که دندان درد میکند
بیاویزد درد بر طرف شود وهرکس کرم بیرون آرد آتش کرم کند وزیر دندان گیرد درد بر طرف شود
هرکس پیه روباه را در بینی مالد خوابش ببرد واگر کسی را مار گزیده باشد خر چنگ را
دو نیم کرده بکوبند وبر زخم نهند زهر را بیرون کشد ودرد ساکن شود وهرکس
که استخوان کوسفند را بسوزاند وخاکستر آنرا بر شیر گاو زند وبر ذکر مالد
بزرگ شود وهرکه آب کاسنی را با نمک بخورد آب دهن را باز دارد وهرکس روغن
کنجد را در تن مالد شپش در جامه او نیفتد وهرکس زیره کرمان را بساید ودر سوراخ
مور ریزد

تمیز دی خطایی

مور ریزد موران از آن مقام بروند وهرکس دم گرگ را در محل یاد در چشم یا درده
در زیر خاک کند دیگر گرگ بآن محل دمکان نیاید وهرکس فندق در دهن بگیرد با
خود دارد وکژدم او را نگزد وهرکه تخم ریحان با روغن گل زرد بریان کند وبا شکر
بخورد باد خصیه را بر طرف کند واگر خصیه اماس داشته باشد زرشک الشعر را بکوبد
ودر خصیه بالد باد را بر طرف سازد وهرکس بول گوسفند را در گوش بچکاند درد را
بر طرف کند وهرکس خون گرگ را با روغن بادام بیامیزد ودر گوش بچکاند کری را به کند
واگر کسی را موی سر نبالند یا کوتاه باشد زهره قوچ را با روغن بیامیزد وبر موی مالد
موی برآید ودراز گردد وهرکه مژه چشم نباشد مار را بسوزاند وخاکستر آن
را با روغن زیتون مرهم کند ودر آنجا مالد موی برآید وهرکرا مار گزیده باشد خروس
شکم چاک کند وگرما گرم بر زخم نهند به شود وهرکه لاله را بجوشاند وبر موی مالد موی را
سیاه کند واگر میان دل لاله را درخت کنند شب کور برابر برد وابله چشم را سود دهد
هرکه کنگر را بخورد بلغم را پاک کند وهرکه کنگر را بکوبد وآب بیاز سرخ ترکند ودر...

پلیدی را ببرد که دیگر نیاید اگر خواهد شخصی از کسی دختری [بخواهد] اول بنویسد این
نام ها را و در آب انداز زد و آن آب را بجوشانند و در خانهٔ پدر دختر بریزد
فی الحال راضی شود یا رَضِیلاً یا فَهَمِیثاً یا سَخَلْسِیاً
یا رَکَمَ اللهُ عَلَیْکُم   و اگر کسی را مار گزیده باشد موشی را دو حصه
کنند و در زخم مار به بندند به شود و اگر زهرهٔ او را با روغن زیتون بیامیزند و در دیوار
خانه بمالند هرگز پشه در آن خانه در نیاید و اگر خون او را دیوانه بخورد نیک شود و اگر کسی خرچنگ
خرچنگ را بگیرد دو چشم او را در درخت میوه دار بیاویزد میوهٔ او بر زمین نیفتد خرچنگ را
خاصیت و منافع بسیار است چون کسی بیمار شود را زیانه را صلایه کند باندک آرد
گندم و اندک برنج مثل آش بجوشانند و گرم گرم بخورند از تب و بیماری به شود
اگر تیز دارا از برای شیر زنان بخورند شیر زیاده شود و اگر چوب او را به دندان الله
بستنید شود و دهن خوشبو شود و آب او را چو سرمه در چشم کشند روشن شود
و اگر کسی فرزندی بد خلقی داشته باشد دندان گرگ و دندان روباه را با کسه بگیر
درکره بندد

دفع قی کردن سماق را با دانگو و نمک همه را نیم کوب کنند و به آب سرد
بیاشامد دافع قی شود و باز دارد دفع سوختگی چون جای سوخته شود کافور سفیده
تخم مرغ و روغن گل سرخ مرهم سازند سوخته را نافع بود دفع خون دماغ تا به
گوسفند را صلایه کنند و در بینی چکانند خون دماغ باز دارد جهت نرمی مزاج چون طبیعت
خشک شود انجیر خشک و انه با یکدیگر نرم کنند و چند حب کنند و به آب بیاشامند
که طبیعت مایل گردد جوهر داروی معتبر است جهت چشم که سفیده زده باشد
و گرد و غبار آورده باشد   مروارید ناسفته   کهربا   کف دریا
رو دنوز ترشیه   توتیای کرمانی   سرمهٔ مکی   حزرون و ماهی
ا ا ا ا
نیکو صلایه نموده بکار برند   هر انگو خورد شیر بخته بسی
گنه پاک ریگ مثانه بسی   جهت موی رختن هلیله را بسوزان و بکوب
و با روغن زیتون بیامیز و خمیر کن د بجای که موی رفته باشد بمال
که مو را بر آرد شود نیک حال   دفع ریش که در پایها و دستها پدید آید

که هیچ چیز رطوبت نشخص اول باید که گرد پای حاجی حت کنند و خون
بسیار بگیرد و بعد راه فصد و زود حجامه کرده و اثر آن در جهت و شتر کنند
باید که مصلحه کنند و بر آن ریش نمایند بعد از آن حمام ... شود
و از سوده است دارو دفع خوشکی که بر کف دست
و پای افتد زنگار جب حلب ۵ زرد چوبه بیدانه بیخ چینی
دنگی شیرخشت عناب موم مایه سپستان زنجبیل
افزا مجموع کوفته و بیخته موم ۴ بگداز و در آن بچکید با شیرخشت
باهم مخلوط سازند و مجموع با یکدیگر مخلوط سازند پس صبح ۴ در یک
شبانه روز در یک قوقه دنبه گوسفند بگذارند و بعد از آن باز قدری دنبه تازه نرم
بکوبند و بعد از آن با آب انگور و آب انار ترش و آب کدوی تازه بهم زده بجوش بنشانند
که آن آب با سه من بیکمن آید روغن آب شود و بر اعضا فصل فصل تا چند یوم
در جای گرم بمالند که بعرق آید و خود را ... دهد ادویه های نافع است

جهت قوت باه

جهت قوة باه پیاز نرگس بکوبد و آبش را بر قضیب بالوجا لجه الخصیه نیز که
مکرر استعمال نماید که اگر عیبی داشته باشد باز بصحت آید و فعل عجایب از وی
صادر شود ملاحظه نماید جهت دفع نزله سر و روی خیار کشمش بنفشه گل سرخ
پوست خشخاش عدس روناس ترک گل خطمی اکلیل الملک را
همه بهم کوفته برابر داخل نمایند بجوشانند و ببندند که مجرب است دفع مرض حصبه
آب بیخ توره آن آب سیاهیست که در دریاها می باشد بجوشانند و بکرات
بصاحب مرض دهند که بسیار نافع است جهت درد دفع جوشش
مقعد کودکان چون مقعد بچه جوشیده باشد و خون و چرک از وی بیاید
مقعد را بموی بز کوبند چنانکه خون و ریم از آن پاک شود و بعد از آن
سفیده آب بران پاشند و به پشت کفش باز گردانند و در محل نرم بنشانند
و غذا برنج با آب انار شیرین بپزند و بدهند تا بخورد مجرب است دوای دفع
گرمی زهره نرم بکوبند و یک روز و یک شب در شیر گاو بخارانند و آب او

بادنبه بجوشانند چندانکه آب او برود و روغن بماند و آن روغن را
در اعضا بمالد نافع باشد و اگر گرمی کهنه باشد ثقل انرا بمالند نافع باشد
دوای جوشش دهن یکمثقال گرد سماق و یکمثقال تباشیر و یک
مثقال گلنار و یک مثقال گرد انزروت و نیم مثقال کافور و همه را کوفته بهم
و لحظه لحظه در دهن گیرند که مفید است   ایضا گرد فوفل خشک و تباشیر
استعمال نماید در معالجه باد مواسل مقل ازرق نه مثقال لبیه و نبات ده مثقال
و روغن بنفشه بادام ده مثقال بگلاب بجوشانند و بخورد و قدری مقل را ت...
نمایند و قدری در زیر خود گیرد تا نافع باشد و غذا او خورشی نخود آب و شربت نبات
مفاید است   معالجه سوزش دل تباشیر نیم دانگ زرشک چهار دانه نیم مثقال
مصطکی یک دانگ مجموع را بهم بسایند و در شراب پرورش نموده بخورد
و غذا او آب زرشک و چاشنی قند و قدری تباشیر و ورق گل سرخ بجوشانند و بخورد
و اگر کسی قبضی داشته باشد که بهیچ وجه گشایش نیابد بگیرد زهره گاو و در ...
پانبه کهنه کند

پانبه کهنه کند عمل نماید در دم گشاده شود   در باب الماس رحم
گل خطمی سفید پانبه بط یا پیه مرغابی و شمع البطم با موی ضم سازد
و زن بخورد بر گیرد و جهة ورم زخم و فتح ان بغایت نافع است دفع ریش که
خشک نشود چه ادمی و چه حیوان بگیرد قدری هلیله و قدری پوست [illegible] رینه گهرم
و قوزی زرد چوبه صلایه کند و اگر فتیله خواهد فتیله بر روغن کنجد چرب سازد
و بر فتیله ریخته عمل نماید و اگر ریش نمایان باشد الجنان خشک بران
بریزد که مفید است نوعی دیگر اگر کسی باد دلتنگی داشته باشد قدری توتیای
هندی و قدری زنگار و قدری صندل سفید در هم صلایه نماید و مکرر بدان بمالد
که نافع است دفع موی ریختن ماهی زیرک که اطفال را بهم میرسد می باید بحلاج
خانه برود و کرکین مکس بگیرند و با عرق بید بر موی ریخته و ماهی بزیرک بمالند مکرر
که نافع است در معالجه عورت که قبض بسته باشد و دفع باد شکم که اگر کسی
قبض داشته باشد باید که بید انگبین ده مثقال و ریحان قدری و قرنفل جزوی

حکیم گوید لقمان ...

در گلاب بسیار خوب بجوشانند و یک شاه کاسه صباح بیاشامد شاید
نافع است جهت آبستن زن اگر زهره گرگ را با آب بنفشه بادام بیامیزد
و زن بخود گیرد و ساعتی توقف کند فرجش تنگ شود و گرم شود مرد با او جمع شود
بار گیرد و حامله شود و بعد از مجامعت اندک قطران را با فلفل کوفته با آب
سداب شافه کند و بخود برگیرد که مجربست و در اثناء صحبت تا ساعتی از جای
حرکت نکند که بضاعت بسیار خوب نطفه در رحم میبندد و اگر زن دندان
آدمی را در نقره گیرند و با خود نگاه دارد و نیز مایه خرگوشی را بخود گیرد آبستن شود
تخم خرفه مغز تخم خیار تخم خطمی را پاک کرده با مغز بادام شیرین
و کشنیز و رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی و تخم کرفس
از هر یک ازین دوایی دو مثقال گرفته و کوفته و بیخته بلعاب بهدانه
قرص سازند و بدفعات بخورد معده را صاف گرداند و نفع بسیار دارد
باب در معالجه زحیر دادن کشنیز را با تباشیر صلایه کرده بر سر دوی بمالند و بریزند

ودهم تناول

ودهم تناول نماید دیگر مرد خوش باش شود و یک مثقال با خراج عدد و مغز بادام
و بو داده هم صلایه نموده با عرق طلع بیاشامد مجربست جهت بوی دهن
پارچه آجر در دهن رس عی نگاه دارد برطرف شود جهت که زن هرگز بار
نگیرد و آبستن نشود بنفشه را با زهره گرگ بیامیزد و فلیط کند و با آب آجر
ترکند و بهر زن دهد تا بخورد هرگز آبستن نشود علاج کری هر کسی بید را
بگیرد و بکشد و پاک کرده با روغن یاسمین بجوشانند و آبش را در گوش
چکانند و گاه روغن او را در گوش کنند و اگر گوشت او بمانند بخورد دگری را
بهره فصل در باب گشودن آواز آب ترب را غرغره کنند و اندک
اندک بخورد آواز را بگشاید و تخم ترب را بکوبید و با روغن بادام بیامیزد و بر
روی خود مالد و یک زمان توقف نماید و با آب گرم بشوید روی را شفاف سازد
و اگر کسی برگ چغندر را بجوشانند و بدان آب موی را بشویند هرگز سفید نشود
و اگر طفل که ناف او بد بریده شده باشد و ناف او بیرون آید زر نبات را کوفته

باروغن کوسفند مربی ساخته هر شبانه روز سه مرتبه بر بالای ناف کذارند تجربه
نموده اند اکر کسی را عقرب کزیده باشد نشادر را با زهر آب آدم بزنند و در انجا
بمالند نافع باشد جهة که زنانرا فرزند نشود مایه خرکوش سرکین خرکوش
۲ مال ۳ منقال
پیاز عنصر کوفته وبیخته داخل عسل نموده بعد از ظهر تا خفتن سه روز بهمان ۲ مال
وقت هیچ در پی بخود کیرند و بخود بردارد و شب چهارم مرد با ان زن صحبت دارد
بر کیرد و نافع است معالجه صرع و هذیان کفتن در میان بیماری بعضی را
بهم برسد و هرزه میکوید باید اول شیر دختران بر سر وی دوشند بعد از ان
بنفشه و بابونه و سبوس آرد کندم باب بجوشانند تا نیکو پخته کردد وانکاه
صاف نمایند و یکمثقال روغن که و بران آب چکانند و در آفتابه کنند و بحمام
روند و از لوله آفتابه آهسته آهسته آب بر سر وی ریزند و بکذارند تا اندک عرق
کند و خود را بشوید و بیرون ایند و از باد و هوا محافظت خود کنند و چون وقت
خواب شود سر و بینی و سوراخ کوش و خصیتین را بروغن بنفشه بادام چرب کنند
دغدا آشی .

دغدا و خورشی آشی ماشی برنج و کوشت خروس بچه باید تناول کند به شود
دفع دانه که انرا سوختنی کویند عامه اس داغی کویند اول بار
که بهم رسیده باید در نک نموده در ساعت آهنی کرم کنند چنانکه سرخ شود
بر بالای ان بکذارند که بر طرف شود و اکر به نشود زرد چوبه و نبات
دانه زوت و ماش برابر صلایه کنند و بروی باشند و موم با سلیق
بر روی آن نهند تا انرا بخورد که شفا یابد و اکر دو درم پیخال باز برفی
دهد تا بخورد زود بار کیرد دفع لقوه و موی ریخته و موی نسترا روب بارو
غن یاسمین هر کجا بمالند موی برآورد علاج درد دندان اکر
~~کسی را عقرب بکزد نوشادر را با آهک آب زده مخلوط نموده چنان نما~~
~~یند نافع است و کسی را زنبور کزیده باشد بمالند نافع است جهة~~
~~[illegible]~~ اکر کسی دندانی از جهة درد کنده باشد آن دندان را
در زیر دندانهای دیکر ~~[illegible]~~ دود کند دیکر درد نمیکند علاج درد سر

اگر کسی را درد سر باشد استخوان کاسه سر سگ را در زیر بینی دود کنند که هرگز
درد سر نه بیند اگر استخوان پای خروس بسوزانند و خاکستر آن بر جایگاه
سوخته افکنند زود صحت یابد اگر سرگین گربه سیاه در زیر زنی که بچه در
شکم آن مرده باشد دود کنند بچه مرده از شکم او بیفتد اگر کسی را خون
از قضیب آید گل ابهو با سرکه بخورد خون را باز دارد خشک دارو مفید
رخ سیاه را بسایند و بر زخم پاشند به شود و نافع است علاج نفخ
شکم سه روز این دوای را تناول نماید که بغایت مجرب است
و مفید است

قرنفل	هیل	زنجبیل	دار فلفل
۲ ماشه نیم	۲ مثقال نیم	۲ مثقال نیم	۲ مثقال نیم
هلیله زنگی	هلیله	مازوی سفید	بورات نار	تنبل هندی
۲ مثقال نیم	۲ ماشه نیم	۲ ماشه نیم	۲ ماشه نیم	۲ ماشه نیم

جمله را صلایه نماید و به شش قسمت نماید صباح وقت تناول نماید نافع است
بدین طریق بنوشد که دارو را در نیمه آرد گندم پاک و این آرد و دارو را
بهم نرم کنند

بهم نرم کنند و سه روز از این قسم بغرا پزد و نیک پخته کنند و بناشتا تناول نماید
و ماش کاو را در کیسه انداخته کوزه آب لچک بامان در جا [illegible] تناول نماید
نافع است جهت دفع کرم بوده حلیت و صبر سقوطری و ادویه مساوی
حول صلایه کند و قدری آرد جو خمیر نماید این دارو در میان خمیر گلوله کند و سه
روز هر روز سه گلوله که هر سه یک مثقال باشد بنوشد و غذا قلیه بنوشد
یک روز قبل و یک روز بعد که جمله پنج روز باشد که نافع است
جهت نفخ و قراقر شکم هر صباح ده مثقال گل انگبین عسل با تخم کرفس
و انیسون و رازیانه از هر یک سه درم بنوشد و غذا نخود آب
و تیهو و کبوتر بچه و گنجشک کند و اگر گاهی در صباح یک مثقال جوارش
بنوشد خوب است نسخه در باب مرض کاشم و سوزنک و خیارک
که بسیار آزموده و مجرب است پیش از شروع سه روز مسهل خورد
و در وقتی که در بالای گودال می نشیند نقره به دهن گیرد باید که پیش



سنة الله ... صو ... صا

عسا ...

ازانکه شروع نماید چند روز از ترشیها و سبزیها ملاحظه نماید و مجموع اجزا را

علیحده علیحده کوفته و بیخته بعد ازان بوزن درآورده بیکدیگر [illegible]

ممزوج ساخته شنجرف را در ظرف سنگی که زنگار ساخته باشند صلایه نموده بوزن در

آورده از پارچه درایی بیخته داخل اجزا نماید که خوب ممزوج گردد بعد ازان شش

قسمت نماید که هر یک بوزن یکمثقال و نیم باشد سه روز هر روز صاحب کوفته یکمرتبه صبح

و یکمرتبه شام یکی ازان اجزا را در آتش ریخته و در سری آتش برهنه

نشسته لحاف چند از طرفین بر سر خود اندازد که دود تمام باندام صاحب گفت

بخورد که عرق بسیار از وجه بیمار آمده بهمان لحاف نهاده در جای خود بخوابد که

عرق برطرف شود بعد ازان رخت بپوشد و از تصرف هوا ملاحظه نماید غذا

بی نمک تناول نماید و بعد از شش روز که دود تمام شود چند روز دیگر از ترشیها و سبزیها ملاحظه

نماید هر چند بیشتر بهتر و اگر قبض شود باید که اندک روغن بیدانجیر مدد و اگر

اسهال شود جوز بیار را در سر آتش پخته تناول نماید و در اثنا دهن صاحب گفت

زخم میشود

ادا جاء نصر الله

ادا جاء نصر الله